



ما باید از فروپاشی اتحاد شوروی درس بگیریم و آن این است که یکی از علل فروپاشی این کشور "تئوری تعهد" بود یعنی با استراتژی که آمریکایی ها به کار برده بودند طوری شده بود که اتحاد شوروی آنقدر زیر بار تعهدات خارج از کشور رفته بود

بعد ها خود را نمایان سازد و اسلام این قابلیت را دارد.

با این وجود وی تفرقه میان جوامع اسلامی را مورد اشاره قرار می دهد. به نظر من اکنون همین عامل است که قدرت ها برای تضعیف ملت های اسلامی از آن استفاده می کنند. توصیه من این است که ما نباید بی توجه باشیم به تهدیداتی که علیه جوامع اسلامی است ضمن آنکه نباید به تهدیدات منافع برون مرزی مان بی تفاوت باشیم باید حضور داشته باشیم اما نباید طوری عمل بشود که انگار ما هم همسوی آمریکا هستیم و در کنار آمریکای جنگیم هر موضعی که ما می گیریم باید این کاملاً مشخص باشد.

آیا ممکن است برای تئوریزم موضع مثال بیاورید؟

به عنوان مثال موضع جمهوری اسلامی در مقابله با داعش که در ائتلاف آمریکایی حضور نیافت اما در جنگ با داعش شرکت کرد کار خوبی بود و همانگونه که رهبری به آن اشاره داشتند در شان ما نیست که زیر پرچم آمریکا حرکت کنیم. از سوی دیگر ما باید از فروپاشی اتحاد شوروی درس بگیریم و آن این است که یکی از علل فروپاشی این کشور "تئوری تعهد" بود یعنی با استراتژی که آمریکایی ها به کار برده بودند طوری شده بود که اتحاد شوروی آنقدر زیر بار تعهدات خارج از کشور رفته بود و متحمل هزینه های زیادی در آفریقا و کشورهای فقیر که پای شوروی به آنجا کشیده شده بود قرار داشت که دیگر قادر نبود این هزینه ها را بپردازد اما این یکی از علت های فروپاشی شوروی بود دیگر علل آن مواردی چون موضوعات پیش بینی شده از سوی امام خمینی (ره)، دیکتاتوری نژادورس بر دیگر اقوام و به طور کلی ضعف دکترین مارکس بود که موجب فروپاشی این کشور شد. اما موضوع پرداخت هزینه های تعهدات نیز در این فروپاشی مؤثر بود بنابراین نباید اینگونه باشد که تعهدات اینچنین موجب پرداخت هزینه برای ایران بشود.

آیا شما هم چنین عقیده دارید که نظم نوین جهانی در حال بهم ریختن است و نظم جدیدی در حال رقم خوردن است؟
همانگونه که ایجاد تنش در بالکان گواهی بر آن بود که قطب اتحاد جماهیر شوروی فروپاشیده است تنش های فعلی در منطقه شروع شده حاکی از آن است که سیطره آمریکا جاذبه جالش کشیده شده است و این سوی قطب هم در حال از دست دادن مشروعیت خود است چرا که دنیا در حال حرکت به سمت چند قطبی شدن در حوزه های اقتصادی، نرم افزاری و سخت افزاری است.

آیا ایستادگی در بحث هسته ای توانسته به نحوی هنجار ها و مولفه های قدرت را به هم بزند که ما بتوانیم آمادگی شکل دهی یک نظم جدید در منطقه و حتی در دنیا را داشته باشیم؟

عظمت این کار و دستاوردهای آن را باید از خشم و عصبانیت آمریکایی ها ببینید، تحریم و واکنشی که غرب علیه ما داشته خشم آن ها است ما آن ها را تهدید به در دشتید کردیم و آن ها چنین واکنشی از خود بروز می دهند، من بارها گفته ام و این گفته من باعث ناراحتی ناسیونالیست ها بوده که عظمت این کار به مراتب بالاتر از ملی شدن نفت است و علت آن این است که زمانی که نفت ملی شد تحریم ها شروع شد اما دوام چندانی نداشت، زمانی که ما انقلاب کردیم این رفتار را نشان ندادند، وقتی گروگان گرفتیم و سفارت آمریکا را تسخیر کردیم هم این رفتار را نشان ندادند اما می بینید که بر سر برنامه هسته ای حتی به سراغ تحریم بانکی ایران رفتند حساب بانکی اتباع ایرانی را مسدود کردند و به واقع کاری نبود که در مواجهه با برنامه هسته ای ایران انجام ندهند این علامت ها خود گواهی از آن دارد که این برنامه هسته ای بزرگترین حادثه تاریخ ملت ایران در طول هزاران سال است.

و سازمان های بین الملل نبود، همین سازمان های بین المللی که اینقدر ثنا گوایی آن ها را می کنند مولود جنگ هستند و در واقع گر دهمایی رسیدگی به امور جنگ و تصمیم گیری برای غنائیم بود که پس از هر جنگ ایجاد می شد که پس از مدتی به این نتیجه رسیدند که چرا این گر دهمایی پس از جنگ باشد بیاییم پیش از جنگ هم این نشست ها را داشته باشیم و بر این اساس ساختار سازمان های بین الملل ایجاد شدند.

توسعه فناوری ایران به واسطه جنگ چگونه صورت گرفت؟
عملای جنگی که غرب با تشویق صدام علیه ایران شعله ور کرد به موتور حرکتی ایران برای توسعه میدل شد به یاد دارم در آن زمان حتی خود بنده که در لاهه بودم زمانی که آمریکا سکو های نفتی ایران را از اعلام کردم که اکنون زمان آن فرارسیده الان وقت آن است که از ماده ۱۰ «ان پی. تی» خارج شویم که بر اساس آن اگر رویداد فوق العاده ای در کشور رخ دهد که منافع آن به خطر بیفتد آن کشور می تواند ابلاغیه بدهد و از «ان پی. تی» خارج شود، خوب در آن زمان تهدید بود که ما چنین فرصتی را به دست آوریم و در شرایط عادی قطعاً این طور نبود. این جنگ بود که مسئولین جمهوری اسلامی ایران را از دنیای ایده آلیسم که فرهنگ محور و ایدئولوژی محور بود بیرون آورد و مقداری به دنیای فناوری سوق داد یعنی زمانی که کسانی روی فلسفه عرفان و ارزش های معنوی پافشاری می کردند در همان زمان کسانی پیدا شدند که نظام را به سوی علم هرمنون کردند. بنا بر این ۳ شاخه الکسی مندر، الکسی مینس و فیثاغورس در ایران ایجاد شد و علاوه بر ایدئولوژی و اسلام که فرهنگ محور است باید به سمت فناوری برویم، از آن زمان شروع شد و الحمد لله حرکت خوبی در زمینه فناوری داشته ایم خوب نشانه هایش مشخص است منتها باید پویایی در آن باشد که اگر ایستا باشد باز می گردیم به عقب.

رشد و توسعه فناوری در ایران را چقدر در توازن قوا در منطقه مؤثر می بینید و آیا تأثیر گذار بوده است؟

بدیهی است که ترکیبی از قدرت سخت و قدرت نرم و علمی ایران در منطقه محسوس است به خصوص فعالیت هایی که نیروهای امنیتی سپاه بسیج و ارتش داشته اند و فعالیت نیروهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران که باعث تأثیر سخت افزار و نرم افزار های این حوزه می شود باعث شده ایران موازنه قدرت در منطقه را بر هم بزند اما باید موازنه قدرت را فقط در قدرت متعارف ندانیم این نظر شخصی من است: موانعی وجود دارد که خاور میانه منطقه ای عاری از سلاح هسته ای نمی شود. چرا که در حال حاضر عربستان در زمینه هسته ای خیلی از ما جلوتر است، هنوز موازنه قدرت در منطقه برقرار نشده است، بله به لحاظ سلاح های متعارف صحنه به نفع ایران است اما به لحاظ سلاح های غیر متعارف اینگونه نیست، چرا که اسرائیل این سلاح را دارد و عربستان به دلیل چراغ سبز غرب و رفتن برخی اطلاعات این فناوری از پاکستان به آنجا در زمینه تولید سلاح های نامتعارف خیلی جلو افتاده است. به نظر من باید موازنه قدرت همانند بیرون درون کشور هم باشد یعنی باید ما نهاد های داخلی را همسو بکنیم یک چنین قدرتی را که سپاه بسیج ارتش و نیروهای اطلاعاتی در خارج ایجاد کرده اند باید پشتوانه داخلی داشته باشد ما یک برآیندی از نیروهای داخلی باید ایجاد کنیم که حامی نیروهای بیرونی باشد.

در بحث الگوهای تعاملی که در منطقه وجود دارد مانند اسلامی سیاسی، اسلام سکولار و محور مقاومت و... شما چقدر قدرت سخت و نرم جمهوری اسلامی را مؤثر می دانید که این الگوها را به نفع انقلاب اسلامی رقم بزند؟

در بحث دنیای اسلام من خود را در مقامی نمی بینم که اظهار نظر روی شریعت و عرف داشته باشم اما واقعیت امر این است که در داخل ایران یک درگیری میان عرف و شریعت بوده که در زمان مشروطه عرف پیروز بود و در انقلاب اسلامی شریعت پیروز شد و عرف شکست خورد اما در هر حال این صحبت مرا به یاد کتاب اسلام و همگرایی جامعه می اندازد که ۱۰ سال قبل از انقلاب اسلامی منتشر شد که در آن در پاسخ به این سوال که آیا اسلام پتانسیل جهانی شدن را دارد، نویسنده عنوان کرده است: «من در مقامی نیستم که به این سوال پاسخ دهم اما می توانم این را بگویم که یک ایدئولوژی می تواند مانند آتش قرن ها زیر خاکستر بماند و

خاطره ای بگویم حدود ۶ سال پیش بنده به عنوان تنها ایرانی در یکی از جلسات شورای همکاری خلیج فارس حضور داشتم، در آغاز جلسه نماینده آژانس ملی سخنانی ما را محکوم به این کرد که با فعالیت هسته ای ایران منطقه نا امن شده است و به دنبال آن مقامات عربی منطقه نظامیان، حقوق دانان و حتی تعدادی از فیزیک دانان آن ها به پرونده هسته ای با این رویکرد حمله کردند و زمانی که نوبت به سخنرانی بنده رسید اینجانب در ابتدای نطق خود رو به نمایندگان کشور های منطقه کردم و اظهار داشتم آیا ۱۰ سال پیش هم قادر بودید یک همایشی با عنوان "فناوری هسته ای در خدمت جوامع منطقه" که اکنون در حال برگزاری است را داشته باشید؟ به آن ها گفتم که واقعیت این است که ما بودیم که نهضت هسته ای را آغاز کرده و هزینه اش را پرداخت کرده ایم و شما هستید که اکنون از آن استفاده می کنید و به ما تهمت می زنید. و در ادامه سخن خود اشاره داشتم که روی سخن من به نماینده آژانس است که انتظار داشتم اصل بی طرفی را رعایت می کرد و مرتکب دردی علمی شد چرا که حرف هایی که وی مطرح کرد تماماً اظهارات آمریکایی ها بود و ایشان بدون اینکه منبع سخن را معرفی کند اظهارات آن ها را از دانه بیان کرده است. همچنین قبل از اینکه پرونده هسته ای مطرح بشود در اجلاسی در یونان شرکت داشتم که در آن اجلاس فردی تحت عنوان "هر فیم" به نمایندگی از رژیم صهیونیستی حضور داشت در روز شنبه زمانی که می خواست صحبت کند به دلیل اعتقادات فقهی یهود بدون میکروفون صحبت کرد و با فریاد در این اجلاس اعلام کرده بود در ایران این عسکر خانی و دوستانش به دنبال تئوری های هسته ای هستند و طبق اطلاعات مادر ایران ۷۰ تا ۸۰ دانشمند هسته ای وجود دارد که ما از کشور های غربی می خواهیم اینها را به کشور هایشان برای اقامت پناه بدهند در غیر این صورت ما آن ها را یکی یکی ترور خواهیم کرد. بنده اینها را گزارش کردم این ماند تا سه سال پیش که من به همراه علیرضا سلطانی و آقای خوشرو در اجلاسی تحت عنوان خاور میانه عاری از سلاح کشتار جمعی در آتن شرکت داشتیم آن ها به خاطر اینکه بتوانند به ما راحت تر حمله بکنند از ما خواستند تا در ابتدا سخنرانی کنیم بنده نطق خود را انجام دادم و همانطور که انتظار می رفت به دنبال آن به ما حمله کردند کشورهای عربی نیز اشاره داشتند که موشک های ایران منطقه را نا امن کرده، کشورهای غربی فناوری هسته ای را مطرح کردند و نماینده رژیم اسرائیل هم خطر تروریسم ایران را مطرح کرد که بنده بلا فاصله در پاسخ به وی گفتم حدود ۱۲ سال پیش نماینده شما در همین کشور اعلام کرده بود که ما فیزیک دانان هسته ای ایران را ترور خواهیم کرد و اکنون ۵ فیزیکدان را کشته اید حال شما تروریست هستید یا ما؟ متعاقباً به کشورهای عربی نیز گفتم از شما سوال می کنم که در دنیا کشورهای صادر کننده تسلیحات و کدام کشور ها بیش از دیگر کشور ها وارد کننده تسلیحات هستند؟

بنابراین بار دیگر تأکید می کنم که آن ها اشاعه فناوری عمودی را نشانه رفته اند، شما شاید بگویید ما به این فناوری دست یافته ایم اما پاسخ من به شما این است که فناوری نباید ایستا باشد بلکه باید پویایی داشته و به روز شود بر این اساس آن ها اشاعه عمودی فناوری ما را نشانه رفته اند باید به روز باشد و پویایی در آن باشد و وقتی تاسیسات هسته ای را پلمب می کنید و برنامه فضایی را تعلیق می کنید این حرکت صورت نمی گیرد فقط انگیزه ها را از بین می برد.

گذشته از آنکه پیدایش اسلام سیاسی پس از انقلاب باعث مقابله غرب با ایران شده آیا می توانیم استنباط کنیم که توسعه فناوری پس از انقلاب دشمنی های غرب با ایران را تشدید کرد چرا که با کمک توسعه تکنولوژی توانستیم بخش دیگری از هنجار های غرب را بشکنیم؟

به واقع همینطور است وقتی که نهضت آزادی روی کار آمد آقای ابراهیم یزدی گفته بود ما این قرار داد های نظامی و فناوری های نظامی را می خواهیم چکار و به طور کل آن را نمی می کردند چنین فناوری هایی را با این استدلال تئوریک که جنگ عامل بدبختی و مانع توسعه است رد می کردند اما اگر نگاه معنوی به سال های دفاع مقدس داشته باشیم می بینیم که آن جنگ، عشق است. این راهم اضافه کنم که اگر جنگ نبود حقوق بشر

